

متوسطه اول

درس یازدهم

عهد و پیمان

پایه هفتم

علی براتی دبیر ادبیات فارسی

دبیرستان شاهد پسران / دبیرستان ابوریحان بیرونی

بهمن 1400

متواضع : فروتن ، کسی که در رفتارش تکبر نباشد.

منظم : مرتب ، دارای نظم

جدی : کسی که به کارهای خود اهمیت می دهد .

رشته دوستی را قطع نمی کرد : کنایه از ادامه دادن دوستی .

دوستی همیشگی و پایدار .

دوستی : مشبه / رشته : مشبه به

عهد : پیمان

پای بند : آن که خود را موظف به انجام امری می داند . مقید

غیبت : غایب بودن ، متضاد حاضر

صلاح : درستی ، پاکی ، نیکی

توصیه : سفارش

تکلیف تعیین شده : وظایف مشخص شده

رئیس جمهور وقت : رئیس جمهور آن زمان

مطهر : پاک و مقدس / صحن : میدان ، حیاط

موج جمعیت : جمعیت بسیار زیاد / تشبیه /

جمعیت : مشبه / موج : مشبه به

وضع : حالت ، وضعیت

یکباره موج جمعیت رجایی را از پا کند و برد و..... : ناگهان

جمعیت بسیاری که مانند دریا موج می زد شهید رجایی را از

زمین بلند کرد و به همراه خود برد .

عهد و پیمان

شهید رجایی ، معنی متواضع و صمیمی و در کارش بسیار دقیق و منظم و جدی بود .
دانش آموزان دوستش داشتند ؛ همان گونه که وقتی رئیس جمهور هم شد ، مردم او را دوست داشتند .

او زنگ تفریح میان دانش آموزان می رفت و با آنان گفت و گو می کرد . رفتار او با دانش آموزان چنان بود که بعد از دانش آموختگی ، رشته دوستی را قطع نمی کردند . شهید رجایی به معنی عشق می ورزید . در آغاز سال تحصیلی با شاکردانش عهد و پیمانی داشت که تا آخر سال ، هم خود و هم شاکردانش در حد توان به آنها پای بند می مانند . به شاکردانش می گفت :

من دید نمی آیم ، شما هم دید نیاید .

من غیبت نمی کنم ، شما هم غیبت نکنید .

من به شما دروغ نمی گویم ، شما هم به من دروغ نگویید .

من به هر قوی که به شما بدهم وفا می کنم ، شما هم به هر قوی که به من می دهید ، وفا کنید .

من خودم را موظف می دانم که برای خیر و صلاح شما تلاش کنم ، شما هم خودتان را تنب بدانید که به توصیه های من عمل کنید و تکالیف تعیین شده را به انجام برسانید .

شهید رجایی

عشق به مردم

در یکی از جمعه های اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ همراه شهید رجایی رئیس جمهور وقت ، به قم رفتم . نخست برای زیارت حرم مطهر حضرت معصومه (س) دم در صحن از اتوبوس پیاپی پیاده شدیم . تازه از در داخل شده بودیم که یکباره موج جمعیت ، رجایی را از جا کند و برد و برد و ما به دنبال او ، نزدیک بود زرد دست و پاهایم .

وقتی رجایی به داخل ماشین آمد ، عرق کرده و خسته بود . به او گفتم : « اگر لین وضع ادامه پیدا کند ، دست و پای سالم برایتان باقی نخواهد ماند » . همان طور که نفس نفس می زد ، گفت : « بی دست هم می شود زندگی کرد ولی بی مردم نمی شود » .

بی دست هم می شود زندگی کرد ولی بی مردم نمی شود: انسان اگر بدون دست و پا باشد می تواند زنده بماند اما بدون حمایت

و توجه مردم زندگی کردن برایش سخت و ناممکن می شود

رفتار بهشی

شهید رجایی، فرد بسیار منظمی بود و برنامه هایش به هم ریخته نبود. سر ساعت به جلسه می آمد. برنامه ورزش، خوراک، مطالعه و خواب او ساعت دقیق و معینی داشت و دقیقه ای عوض نمی شد. وقتی از پیدایش این خصلت در ایشان از او سؤال می شد، می گفت: «من این نظم را از آقای بهشتی، یاد گرفته ام».

مراعات نظیر: ورزش، خوراک، مطالعه، خواب

ترادف: دقیق، معین

خصلت: خوی، ویژگی

پیدایش: ایجاد شدن / جلسه: نشست، گردهمایی

خلوت تر: رفت آمد کم، تنهایی

امان: ایمن، آسوده / در پناه بودن

عیب: ایراد، اشکال / تحمل: بردباری، شکیبایی

دست هایم از سرما خشک می شود: دست هایم بخاطر سرما

بی حس و بی حرکت می شود.

شبهات: شبیه بودن، همانند بودن

کنجکاوی: علاقه مندی به پیگیری موضوعی

عابران: رهگذران.

مکت: سکون و آرامش، درنگ

انگار: به نظر، گویا

برق خوشحالی: خوشحالی به برق تشبیه شده است.

برق خوشحالی را در چهره کسی دیدن: کنایه از خوشحالی

زیاد

تا از هجوم باد در امان باشد: تا باد به او آسیبی نرساند.

تشخیص

پول، خورد، مدت ها بود پول هایش را برای خرید یک جفت دستکش جمع می کرد. سکه ها داخل جیش تکان داد. لجنی زد و با خودش گفت: «فکر می کنم امروز بتوانم دستکشی را که می خواهم، بخرم». لکن فکر به سرعت افزود تا زودتر به مدرسه برسد. از کوچه گذشت و وارد خیابان شد. خیابان سردتر از کوچه بود و باد با سرعت بیشتری می وزید. مصطفی خودش را کنار دیوار کشاند تا از هجوم باد در امان باشد. دست هایش را از جیب بیرون آورد؛ یقه لباسش را بالاتر کشید؛ کمی احساس گرما کرد. حالا سرمای کمتری به صورتش می خورد. بعد دست هایش را دوباره داخل جیب هایش فرو برد. «امروز خیلی سرد است انا عی ندارد، تحمل می کنم. فردا حتما دستکش می بخرم. آن وقت، موعی که به مدرسه می روم، دست هایم از سرما خشک نمی شود».

سرما بیشتر شده بود و راه، طولانی تر به نظر می آمد. چند قدمی که جلوتر رفت، ناگهان صدایی شنید، صدا آرام و ضعیف و بیشتر به ناله شباهت داشت. ایستاد و به اطرافش نگاه کرد. کمی دورتر، پیرمردی به درخت کهن سالی تکیه داده بود و در حالی که دستاش را به طرف مردم دراز کرده بود، از آنها کمک می خواست.

مصطفی سرا را فراموش کرد و با کنجادی به طرف پیرمرد رفت. هر چه جلوتر می رفت، صدای او را بهتر می شنید. پیرمرد حال خوبی نداشت. دست هایش در آن هوای سرد پابیزی سرخ شده بود و حرکتی نمی کرد. پیرمرد کمک می خواست انا عابران بی توجه به او، در حالی که سعی کردند زودتر خود را به جای گرمی برسانند، از کنارش می گذشتند. صدای پیرمرد در میان زوزه

ویژگی های مصدر : اسمی است برانجام دادن کاری یا رویدادن حالتی دلالت می کند اما شخص و شمار و زمان ندارد .

ویژگی های فعل : برانجام دادن کار یا رویدادن حالت دلالت می کند .

مهمترین و اصلی ترین قسمت جمله فعل است . فعل دارای دو جز مهم است . 1: جز ثابت (بن) . 2: جز متغییر (شناسه)

نکته : زمانی شناسه ها را نهاد پیوسته حساب می کنیم که در جمله نهاد جدا نداشته باشیم .

ویژگی های فعل : 1: شخص دارد . 2: شمار دارد (مفرد ، جمع) . 3: زمان دارد .

اول شخص جمع : رفتیم

اول شخص مفرد : (من) : رفتم

دوم شخص جمع : رفتید

دوم شخص مفرد : (تو) : رفتی

سوم شخص جمع : رفتند

سوم شخص مفرد : (او) : رفت

هر فعل شش شخص دارد . اول شخص (گوینده) ، دوم شخص (شنونده) ، سوم شخص (غایب)

فعل دارای سه زمان است .

ماضی ، مضارع ، مستقبل

ماضی: کاری که در زمان گذشته صورت گرفته است.

روش ساخت بن ماضی: مصدر - ن / از مصدر ن را حذف می کنیم

شنیدن: شنید / خندیدن: خندید / رقصیدن: رقصید / بردن: برد

روش ساخت فعل ماضی: بن ماضی + شناسه ها

شناسه ها: م، ی، 0، یم، ید، ند

خریدم / خریدی / خرید / خریدیم / خریدید / خریدند

فعل مضارع: کاری که در زمان حال صورت گرفته است.

روش ساخت بن مضارع:

ابتدا مصدر را تبدیل به بن ماضی می کنیم

فعل ماضی را تبدیل به امر می کنیم

حرف (ب) را از ابتدای فعل امر حذف می کنیم

1: نوشتن (مصدر) / 2: نوشت (بن ماضی) / 3: بنویس (امر) / 4: نویس (بن مضارع)

1: گرفتن (مصدر) / 2: گرفت (بن ماضی) / 3: بگیر (امر) / 4: گیر (بن مضارع)

روش ساخت مضارع اخباری : می + بن مضارع + شناسه ها

می + گیر + م / می گیرم	می + نویس + م / می نویسم
می + گیر + ی / می گیری	می + نویس + ی / می نویسی
می + گیر + د / می گیرم	می + نویس + د / می نویسند

روش ساخت مضارع التزامی : ب + بن مضارع + شناسه ها

ب + گیر + م / بگیرم	ب + نویس + م / بنویسم
ب + گیر + ی / بگیری	ب + نویس + ی / بنویسی
ب + گیر + د / بگیرد	ب + نویس + د / بنویسد

روش ساخت فعل آینده : خواه + شناسه ها + بن ماضی

خواهم رفت / خواهی رفت / خواهد رفت / خواهیم رفت / خواهید رفت / خواهند رفت

خواهم شنید / خواهی شنید / خواهد شنید / خواهیم شنید / خواهید شنید / خواهند شنید

قالب قطعه : قالب شعری است که مصراع های دوم همه بیت های آن قافیه دارد . محتوای این قالب اصولاً مسائل اجتماعی ،

اخلاقی و تعلیمی و آموزشی است . از جمله کسانی که به سرودن قطعه پرداخته اند می توان به سعدی ، ابن یمن ، ملک

الشعراى بهار و پروین اعتصامی اشاره کرد

شکل گرافیکی قالب قطعه :

@.....

@.....

@.....

@.....

کلمات هم خانواده : کلماتی هستند که دارای سه ویژگی هستند : 1: ریشه فعلی مشترک دارند . 2: معنای آنها به یکدیگر

نزدیک است . 3: دارای سه حرف اصلی هستند .

جامع ، جامعه ، اجتماع ، مجموع ، جمعیت

زحمت ، مزاحم ، زحمت ، مزاحمت

حرکت ، محرک ، تحریک ، تحرک

کلمات هم خانواده در کلمات فارسی با توجه به بن ماضی و مضارع ساخته می شود .

دیدن ، دیدار ، بینش ، بینا ، بیننده ، / گفتن ، گوینده ، گویا ، گویش ، گویش



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد